خوانش نشانه شناسانه نقوش جام های مارلیک

(نمونه موردی: جام گاو بالدار و جام افسانه زندگی)

نادیا معقولی[۱]*،مهدیه کشتکار[۲]

۱- استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

۲-کارشناس ارشد هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۲۰ ، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۱۰)

چکیده:

ارزش باستان شناسانه جام های مارلیک که در سال ۱۳۴۰ شمسی در منطقه رودبار استان گیلان کشف شده بر کسی پوشیده نیست. هنر فلزکاری استفاده شده دراین آثار نشان نبوغ هنرمندان آن عصر را دارد. اما در مطالعات انجام گرفته بر روی این جامها به نقوش به کار رفته بر روی این جامها توجه ویژه ای نشده است. از آنجا که این نقوش دارای رمزگان تصویری بسیاری هستند، سوژه مناسبی برای خوانش این تصاویر بر اساس دیدگاه های مختلف هنری هستند. بدین لحاظ در این پژوهش، دو جام گاو بالدار و افسانه زندگی مارلیک انتخاب گردیده تا با شناسایی ومعرفی این نقوش و تصاویر از دید نشانه شناسانه مورد خوانش قرارگیرند. این پژوهش به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام گرفته و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که رمزگان موجود در نقوش موجود در این دو جام دارای چه معانی هستند. بدین لحاظ در ابتدا این جامها معرفی و نقوش روی آن شناسایی و معرفی گردیده سپس این نقوش جداسازی و رمزگشایی شدند. یافته های تحقیق نشانگر این است که دو جام انتزاعی و نشان از عالم دیگر دارند. در جام گاو بالدار نقش (گاو و گل نیلوفر) در جام افسانه زندگی نقش (درخت نخل) هر سه نشان از مقدس بودن دار ند. در جام گاو بالدار(گل نیلوفر) و در جام افسانه زندگی(روایت تولد تا مرگ) هر دو نمایش از آفرینش و زندگی است، همچنین در هردو جام اعتقاد زندگی پس از مرگ دیده می شود. در جام افسانه زندگی برتری دارد. نیروی شهوانی و مادی اشاره به انسان در روند این چرخه دارد و در جام گاو بالداربرتری نیروی معنوی جهت صعود به مراتب بالا دیده می شود.

واژه های کلیدی:

مارلیک، جام گاو بالدار، جام افسانه زندگی ، نشانه شناسی

* تلفن: ۰۹۱۲۱۷۲۳۸۶۴

* Email:n.maghuly@gmail.com

مقدمه:

«مارلیک» مجموعه ای است شکوهمند و غنی مرکب از مکشوفه های باستانی در منطقه رودبار که با قدمتی سه هزار ساله متعلق به مردمانی فکور و هنرمندانی با ذوق از ایران زمین است (چراغی، ۱۳۶۸: ۱۰۵). آثار مارلیک معرف عقاید و اندیشه ها و آئینه ی آرزوها و احساسات مردمانش بوده و برگی جاودانه را به صفحات تاریخ ایرانیان و بشریت افزوده است.(نگهبان، ۱۳۷۸: ۱۸۰) بر اساس تحقیقات به عمل آمده ، به نظر می رسد اقوام ساکن در سرزمین های جنوبی دریای خزر آماردها(Amard) بودندکه تمدن مارلیک را به آن ها نسبت داده اند. علاوه بر جنگجویی و شجاعت و مهارت در پیکارها، بر خلاف گیل ها اندامی بلند داشتند ودر صفوف جنگجویان کاملاًدیده و شناخته می شدند، خانه هایشان را در میان غارها و شکاف کوه ها می ساختند و با زن و فرزندان خود در آن زندگی می¬کردند. کار دامداری زیاد نمی کردند و بیش تر غذایشان را از طریق شکار حیوانات بدست می آوردند. لباس کوتاهی می پوشیدند، همواره مسلح بودند. اینان از میوه های درختان که در اطرافشان فراوان بود، استفاده می کردند و البته زندگی در تنگنای مادی، باعث ناآرامی شان بود که این خصوصیات در آثارشان بخصوص بر روی جام ها کاملاً مشهود است. (افشون،۱۳۸۴: ۲۵).

از میان مجموعه آثار کشف شده تپه مارلیک که بین قرون ۱۳ ـ ۱۰ ق.م. تاریخ گذاری شده اند و جام های فلزی مارلیک در منطقه گیلان که بر خلاف منطقه لرستان از طلا و نقره استفاده می کردند، (طلایی، ۱۳۹۱: ۸۰)، درتحلیل تطبیقی بین دو این دو جام گاو بالدار و افسانه زندگی می توان تفاوت ها و شباهت هایی را جستجونمود که منجر به بازخوانی رمزگان این دو جام شود. هدف اصلی این پژوهش خوانش نشانه شناسه رمزگان این دو جام در تطبیق با یکدیگر است. تاکید بر اهمیت و ضرورت شناخت فرهنگ و تمدن گذشته گیلان در جهت شناسایی نقوش جامهای منتخب و اهمیت شناسایی نقوش و معرفی نقوش این جام ها از ضرورت های انجام این تحقیق به شمار می آید.

بدین ترتیب در این پژوهش ابتدا به هنر و تمدن مارلیک پرداخته می شود و سپس با شناسایی و معرفی نقوش در جامهای انتخابی مارلیک به تطبیق نشانه شناسانه بین دو جام پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش:

در مقالات و کتب مختلف درباره هرکدام از دو جام فلزی مارلیک به طور جداگانه و کوتاه بحث شده است.

در مقاله *« چهره هزار سال زندگی ، نگاهی گذرا به مشترکات زندگی در مارلیک باستان و امروز گیلان»* از رحیم چراغی (۱۳۶۸)، نگاهی به اشیاء مکشوفه در مارلیک که بخش بزرگی از ابزار و آلات جنگی در کنار اشیاء و حوائج روزمره و قسمت عمده آلات زینتی و تزئینی در کنار احتیاجات و کاربرد نقوش و تدفین آن ها دارد. در مقاله دیگر *« فلزکاری در ایران»* از سید عبد المجید شریف زاده (۱۳۶۸) چنین گفته می شود که جام های زرین مارلیک در نواحی امیرنشین هایی وجود داشته اند که از هزاره ی اول ق.م، از هنر و فرهنگ پیشرفته ای برخوردار بودند. در پژوهشی دیگر *« جام طلای افسانه زندگی مکشوفه در حفاری مارلیک »* از عزت الله نگهبان(۱۳۵۵)، عقیده دارد که این جام از اولین نمونه هایی است که یک هنرمند باستانی سعی نموده است افسانه ای را متضمن صحنه های مختلف از ابتدا تا انتها بر روی یک جام به صورت یک داستان مصور نمایش دهد. *« نگاهی دیگر به نقشمایه های جام زرین افسانه زندگی در مارلیک »* از علی اکبر وحدتی (۱۳۸۴)، مقاله ای دیگر است که وضعیت و محل دقیق کشف جام را نشان می دهد و سپس به تاریخ گذاری و تفسیر دقیق نقوش روی آن می پردازد.کتاب*« تمدن مارلیک»* از بهروز همرنگ (۱۳۸۵) گویای بومی بودن فرهنگ و صنایع مرتبط با تمدن مارلیک، به ویژه در ابزارها، مجسمه ها و ظروف فلزی است وکتاب *« چراغعلی تپه »* از غلامرضا فرهنگ فروتن (۱۳۸۲)، درباره اقوام، فرهنگ، اسطوره ها و آثار باستانی منطقه مارلیک در گیلان می پردازد. در پایان در کتاب *« باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد»* از دکتر حسن طلائی (۱۳۷۴)، در تاریخچه مطالعات انجام شده درباره عصر آهن ایران اشاره به قبرستان مارلیک و اشیاء بدست آمده فلزی و فرهنگ مارلیک گیلان شده است.

روش پژوهش:

تحقیق حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد نشانه شناسی انجام شده است. بدین منظور از روش اسنادی کتب و مقالات باستان شناسی، هنری و نقوش مارلیک در گیلان و مرکز باستان شناسی گیلان مورد مطالعه قرار گرفته و در ادامه از روش تطبیقی با رویکرد نشانه شناسی و با توجه به تصاویر جام های مارلیک، خصوصیات و ویژگی های بصری نقوش جام ها استخراج شده و جنبه های شباهت و افتراق آنها بررسی شده است.

نشانه شناسی

چندلر در تعریف نشانه چنین می گوید:« نشانه یک واحد معنادار است که به عنوان « اشاره گر» بر چیزی جز خودش تفسیر می شود. نشانه ها معنایی ذاتی و درونی ندارند و فقط وقتی تبدیل به نشانه می شوند که کاربران نشانه با ارجاع به یک رمز به آنها معنا دهند» (چندلر، ۱۳۸۷: ۳۴۲).و این اتفاقی است که در هنگام خلق اثر هنری رخ می دهد. « بعضی از اندیشمندان انسان را حیوان دلالت گر توصیف کرده اند. در واقع آدمیان از طریق خلق، ابدع و تفسیر نشانه ها و آیات و نمادها معنا می آفرینند»(ضیمران، ۱۳۸۳: ۴۰). همچنین « لوتمان، با آغازیدن از نظریه ارتباط، هنر راوسیله ای خاص برای ارتباط می شمارد. پیام اثر هنری از ساختار زبان هنری جدا نیست. ساختار متن و ساختار اندیشه به هم مربوط است و پیچیدگی ساختار و اطلاعات با هم پیوند دارد. اثر هنری نظامی از نشانه های تو در توست که در یکدیگر تعبیه می شوند»(ایوتادیه، ۱۳۷۸: ۲۶۳). که در واقع هدف چنین پژوهشهای همین شناسایی نظام های تودر توی نشانه هاست.

« فردینان دوسوسور» زبان شناس سوئیسی الگوی نشانه شناسی را دو وجهی دانسته است دال / مدلول و پارول / لانگ، فرم (صورت) / ماده (جوهر)، همنشینی / جانشینی و در زمانی / هم زمانی. بنابراین نشانه کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول (سوسور، ۱۳۷۸: ۹۶). که در این پژوهش با مطالعه این نقوش رابطه های دو وجهی «دال و مدلول»، «پارول ولانگ» و «همنشینی و جانشینی» جستجو خواهد شد.

تمدن مارلیک

مارلیک نام تپه ای باستانی واقع در دره گوهررود شهرستان رودبار، از توابع استان گیلان است. مردم مارلیک از گروه اقوام مهاجر آریایی یعنی هند و ایرانیان هستند که در حدود اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تا اوایل هزاره ی اول ق.م. در منطقه حکومت داشتند. (نگهبان، ۱۳۷۸: ۱۷). در رابطه با اسم مارلیک چندین نظر وجود دارد. عده ای این نام گذاری را به دلیل وفور مار در این منطقه می دانند و آن را به افسانه ی گنج و مار ارتباط می دهند چرا که گنج و مار در افسانه ها همنشین هم هستند و در باورهای محلی بسیاری از گنج های زیرزمینی طلسمی دارند که معمولاً در قالب مار تجسم می یابد(تسلیمی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). اما بعضی دیگر این واژه ها را به قوم باستانی ماردها و امردها ارتباط می دهند که از دو جزء « مارد» و « لیک» ترکیب شده و معنی قوم «مارد« را دارد. اینان استدلال می کنند که این کلمه در اصل «ماردلیک» بوده و با حذف دال « مارلیک» شده است. « مارد» اشاره به آماردها است« لیک» هم که همان لک باشد به معنای قوم و طایفه و عشیره است (همان: ۵۲۹).

حفاری مارلیک در سال ۱۳۴۰ با همکاری مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران و اداره کل باستان شناسی کشور زیر نظر دکتر عزت الله نگهبان انجام گرفت که در باره آثار مارلیک چنین گفته است: « سوابق و سنن هنری که بر اثر این روابط بدین ناحیه وارد شده است در اینجا به مرحله بلوغ رسیده است و حد نصاب و تکامل و پیشرفت در ساخته های هنری این قوم به خوبی دیده می شود. تسلط هنرمندان و مهارت آنها به حدی است که هنر از جنبه ی هنر برای هنر خارج شده و هنرمند جنبه خودنمایی را در ساختن این آثار نفیس ابراز نموده است».(اصلاح عربانی،۱۳۷۴: ۵۳۲).

فلزکاری در تمدن مارلیک

فلزکاران هنرمند مارلیک در تزئین ظروف با استفاده از نقطه چین کردن، خطهای روان، برآمده و فرورفته و برجسته نقوش مورد نظر را روی بدنه ظروف به وجود می آوردند. در تزئین ظروف از نقش های طبیعت پیرامون و فقط ۱۱ درصد باقیمانده مربوط به موجودات تخیلی و ترکیبی است. جالب توجه این است که نقوش در انطباق تکامل با اقلیم منطقه شمال ایران است که قبرستان مارلیک در آنجا واقع شده است (طلایی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

جام طلای گاو بالدار مارلیک

«این جام از طلا با ارتفاع ۱۸ سانتی متر ساخته شده است. ارتفاع نقش برجسته روی جام ۲ سانتی متر از

تصویر ۱) جام طلای گاو بالدار مارلیک محل نگه داری : موزه ملی ایران. منبع: (بهمنی، ۱۳۹۴: ۴۵).

جـام اسـت» (نگهبـان، ۱۳۶۸: ۵۸). در ایـن جـام سـرگاو بـه جـای پـرچ شـدن از خـارج، تنهـا بـا قلـم زنـی از داخـل و بـا اسـتفاده از طـلای بدنـه سـاخته شـده اسـت . بدنـه ی جـام نسـبتاً بلنـد و لبـه ی آن مفتولـی و قسـمت پاییـن آن کمـی مقعـر یـا زاویـه دار اسـت. بـه علـت عیـار بـالای طـلای بکاررفتـه در آن، بدنـه ای بسـیار نـرم و قابـل انعطـاف دارد، بـه همیـن دلیـل بـر اثـر فشـار خـاک کمـی از شـکل اصلـی خود خـارج شـده در سـاخت ایـن جـام از روش قلـم زنـی اسـتفاده شـده اسـت. برجسـتگی نقـش هـا بـه ویـژه سـر گاو هـا کـه از بدنـه ی ظـرف بیـرون اسـت، دقـت در جزئیـات و تنظیـم سـنجیده و تقسـیم مناسـب آن در کل سـطوح ظـرف، منجـر بـه خلـق شـاهکار شـده اسـت (همرنـگ، ۱۳۸۹: ۷۷).

مطالعه نقوش روی جام گاو بالدار مارلیک

در جـام طـلای گاو بالـدار مارلیـک نقـش وسـط جـام، درخـت زندگـی اسـت و در دو سـوی درخـت دوگاو بالـدار دیـده میشـوند کـه در حـال بـالا رفتـن از درخـت هسـتند. نمایـش بـدن حیـوان بـه حالـت نیـم رخ و نمایـش سـرآنها از رو بـه رو، از ویژگـی هـای هنـر ایرانـی اسـت و همیـن هویـت ایرانـی جـام و سـازنده آن را نشـان مـی دهـد. صحنـه کلـی ایـن جـام دو جفـت گاو بالـدار اسـت کـه در نزدیکـی یـک درخـت تزئینـی و روبـروی هـم به صـورت قرینـه، قرارگرفتـه اند. ایـن دوگاو بـر روی پاهـای عقـب بلنـد شـده انـد و دو پـای جلویـی خـود را بـر روی شـاخه هـا و تنـه ی درخـت قـرار داده انـد (همرنـگ، ۱۳۸۹: ۷۷). ایـن دو گاو در حـال بـالا رفتـن از درخـت در دو طـرف قـرار دارنـد (نگهبـان، ۱۳۸۰: ۵۸).

در کـف جـام، یـک گل تزیینـی زیبـا نقـش شـده اسـت و درمیـان گل ، نقـش خورشـید دیـده میشـود کـه شـعاع هـای خـود را بـه طورمنظـم پراکنـده اسـت. نقـش گاو بالـدار، یـک نقـش کامـلاً متـداول و عمومـی در هنـر تزئینـی دنیـای باسـتان در خـاور نزدیـک و خـاور میانـه بـوده اسـت (نگهبان، ۱۳۷۸: ۲۱۶). دکتـر نگهبـان ایـن جـام را بدلیـل ارزش و ویـژه هنـری، یگانگـی و کیفیـت سـاخت و پرداخـت نقـوش آن، جـام طـلای مارلیـک و نمـاد تمـدن عظیـم و شـگرف آن نامیـده اسـت (همـان: ۱۹۶ ـ ۱۸۴).

جام طلای افسانه زندگی

جام زرین افسانه ای زندگی یکی از معروف ترین ظروف فلزی بدست آمده از مارلیک و نماد دیگری از این تمدن باشکوه است.«۲۰سانتی متر ارتفاع و ۱۴سانتی متر قطر دهانه آن است. نقش روی جام داستان زندگی یک بزکوهی از ابتدای تولد تا زمان کشته شدن به وسیله یک گراز وحشی را با تمام جزئیات نشان می دهد» (نگهبان، ۱۳۶۸:۶۸). لبه ی جام مفتولی و طلای بکار رفته در آن چنان نرم بوده که بر اثر فشار های وارده ی خاک برآن، دچار تاخوردگی شده است.(همرنگ، ۱۳۸۹:۸۳). سطح خارجی جام با چهار ردیف نقش برجسته به شیوه قلم زنی،چکش کاری و کنده کاری آراسته شده است.تابلوها از پائین

تصویر۲) جام طلای افسانه زندگی مارلیک محل نگه داری: موزه ملی ایران
منبع: (بهمنی، ۱۳۹۴: ۴۶).

به بالا نشانگر چهار دوره زندگی، تولد، بالندگی، شکارو مرگ حیوان است.

مطالعه نقوش جام طلای افسانه زندگی

بـالای جـام دارای نـواری بـه عـرض ۱/۵ سـانت اسـت کـه با نقـوش خطـوط مـورب و متقاطـع تزئیـن یافته اسـت و یـادآور نشـانی از جهـان دیگـر اسـت. گل نیلوفـر تفکیک کننـده جلو و عقـب ظـرف بـه شـکل درختـی بـزرگ مجسـم شـده اسـت. فضـای بـالای سـر گاو خالـی از هـر گونـه آرایشـی اسـت کـه نشـان از آسـمان دارد(بهمنـی ، ۱۳۹۴: ۴۶). در نیمـه بـالا، سـرهای برافراشـته دو گاو دیـده مـی شـودکه هـر کـدام بـه سـمت چـپ نـگاه مـی کننـد وکامـلاً از ظـرف بیـرون زده انـد. بـال گاو سـمت چـپ برافراشـته و بـال گاو سـمت راسـت خـم گشـته اسـت. در نیمـه پائیـن یـک دسـت و پـای دوگاو قـرار دارد. نقـش گاو بـه صـورت برجسـته و بـه بیـرون کار شـده اسـت پاهـا و کمـر کامـلاً قرینـه انـد. در حالیکـه در قسـمت بـالا و سـرو بـال، ایـن قرینگـی وجـود نـداردو بیشـتر تداعـی کننـده تکمیـل حرکـت اسـت تـا ثبـات. گلبرگهـای گل نیلوفـر در پاییـن هـم دیـده مـی شـوند امـا باریـک تـر و بلندتـر از گلبـرگ هـای بـالا هسـتند. از تقـارن پاهـا شـکلی شـبیه فلـش رو بـه بـالا ترسـیم شـده اسـت کـه نـگاه را رو بـه بـالا مـی کشـاند . در زیـر پـای گاو هـا خطوطـی اسـت کـه یـادآور زمیـن اسـت (بهمنـی، ۱۳۹۴: ۴۶). در طراحـی و اجـرای گـوش هـا ، شـاخ هـای منحنـی، یـال هـا، بینـی، پوزه و چشـم هـای نقـش برجسـته ی سـر گاو، تناسـب رعایـت

شـده انـد. سـر حیـوان بـه روبـرو و بـدن آن بـه صـورت نیـم رخ اسـت(همرنـگ، ۱۳۸۹: ۷۸). نقـش جـام بـه پنـج ردیـف تقسـیم گردیـده کـه مجموعـاً افسـانه زندگـی یـک بزکوهـی را منعکـس نمـوده انـد.

نقوش قسمت پائین

در ردیـف پائیـن، بـز کوهـی کوچکـی کـه تـازه متولـد گردیـد و مشـغول خـوردن شـیر از پسـتان مـادر اسـت نمایـش داده شـده اسـت.(چراغی، ۱۳۶۸:۱۱۱)و مـادر در حال خـوردن جوانـه هـای درختـی اسـت.

- در ردیـف بالاتـر، درختـی دیـده مـی شـود کـه هـم از اطـراف سـه شـاخه دارد و هـم در بـالا سـه جوانـه، و دو بـز در دو طـرف آن بـا تکیـه بـر دو شـاخه پائینـی در حـال خـوردن شـاخه سـوم هسـتند.

قسمت بالایی

در ردیـف اول از قسـمت بـالا گـراز هایـی مشـاهده مـی شـوند کـه کرکـس هـای کوچکـی بـر بـالای سرشـان قـرار دارد،(تقریبـاً هـر سـه گـراز یـک کرکـس)، گـراز هـا بـز را مـی خورنـد (بهمنـی ،۱۳۹۴:۴۸).

- در ردیـف بالاتـر کرکـس هـا بـه پائیـن آمـده و باقیمانـده بز و حتـی شـاید گـراز هـارا مـی خورنـد و در نهایت در وسـط،در میـان دو سـر کرکـس کـه بصـورت متقـارن قـرار گرفتـه انـد سرشـان بـه پائیـن خـم اسـت درختـی توسـط یـک شـبه انسـان در حـال روییـدن اسـت.

- لبـه ی بـالای ظـرف نـواری اسـت کـه از خطـوط کـج کـه بـه صـورت واحـد قـرار گرفتـه انـد و شـبیه نقـش پائیـن جـام مـی باشـند (بهمنـی، ۱۳۹۴:۴۸).

تحلیل نشانه شناسانه نقوش جام گاو بالدار

در تفسـیر نشـانه شناسـانه ایـن جـام بایـد گفـت: واژه ی گاو از ریشـه زندگـی سـاخته شـده اسـت.(جنیدی،۱۳۸۸:۵۳). از اولیـن آفریـدگان اهـورا مـزدا گاو اسـت کـه نـژاد انسـان از خـون او بوجـود مـی آیـد. در متـون زرتشـتی بـه وفـور از گاو یـاد شـده اسـت تـا آنجـا کـه ایـزدان آریایـی چنـد بـار بـه صـورت گاو ظاهـر مـی شـوند و در مـواردی بـا صفتـی از صفـات گاو توصیـف مـی گردنـد.

تحلیل رمزگان نقش گاو

نمـادی از زندگـی اسـت و مهر،ایـزد فـروغ و پیکار و پاسـبان عهـد و پیمـان کـه بـا خورشـید تیزاسـب یکی دانسـته شـده، بـه گردونـه چهـار اسـبه نشسـته، از خـاور بـه باخترمی شـتابد و بـا گاو ارتبـاط خاصـی دارد (هیلنـز ،۱۳۵۸:۲۷).

تحلیل رمزگان نقش گل نیلوفر

بالـدار بـودن گاو در ایـن جـام نشـان از محافظـت از طریـق نیـروی تقـدس نیلوفـر اسـت. نمـاد صلـح و آشـتی در جهـان باسـتان اسـت و از سـده هشـتم پیـش از میـلاد تصویـر نیلوفر بـه فنیقیـه و از آنجـا به سـرزمین آشـور و ایـران انتقـال یافت و در ایـن سـرزمین هـا گاهـی جانشـین درخـت مقـدس بـوده اسـت.جنبه تقـدس نیلوفـر بـه محیـط آبـی آن برمـی گـردد. زیـرا آب نمـاد باسـتانی اقیانـوس کهـن بودکـه کیهـان از آن آفریده شـده اسـت.(جنیدی ،۱۳۸۸:۵۷). گل نیلوفر در سـپیده دم بـاز و در هنـگام غـروب بسـته مـی شـود بـه خورشـید شـباهت دارد. خورشـید خـود منبـع الهـی زندگـی اسـت و از ایـن روگل نیلوفـر نمـاد زندگـی دوبـاره بـه شـمار مـی رفـت. پـس نمـاد روشـنگری هـا، بـاروری، زندگـی دوبـاره و بـی مرگـی اسـت. نیلوفـر، نمـاد کمـال و رسـایی نیز هسـت.زیرا بـرگ هـا، گل هـا و میـوه اش دایـره ای شـکلند و دایـره خـود از ایـن جهـت کـه کامـل تریـن شـکل اسـت، نمـاد کمـال بـه شـمار مـی آیـد. (بهمنـی ،۱۳۹۴:۴۶). «نیلوفـر یعنـی شـکفتن معنـوی. زیـرا ریشـه هایـش در لجـن اسـت و بـا ایـن حـال بـه سـمت بـالا و آسـمان مـی رویـد،از آب هـای تیره خـارج می شـود و گل هایـش زیـر نور خورشـید و روشـنایی آسـمان رشـد مـی کننـد. نیلوفـر کمـال زیبایـی نیـز بـه شـمار مـی رود.ریشـه هـای نیلوفـر مظهـر مانـدگاری و سـاقه اش نمـاد بنـد نـاف اسـت کـه انسـان را بـه اصلـش پیونـد مـی دهـد و گلـش پرتوهـای خورشـید را بـه یـاد مـی آورد» (هیلنـز، ۱۳۸۸:۹۶). بـه نظـر مـی رسـد، نیلوفـر نمـاد انسـان فـوق العـاده یـا تولد الهی اسـت زیـرا بـدون هیـچ ناپاکـی از آب هـای گل آلـود خـارج می شـود.

تحلیل روابط همنشینی گاو و نیلوفر

نوعی نیروی معنوی جهت صعود به بالا به وجود می آید.به نظر می رسد دو گاوی که در نمای روبروی جام دیده می شوند تجسم یک واحدند که در حرکت است.جهت حرکت با توجه به چرخش گردن و نگاه، به سمت راست است که نشانی از درستی است و همچنین برجستگی چشمها که نشان روشن بینی و عقل است آنرا تأیید می کند.حرکت وی از زمین آغاز شده و با اینکه هنوز دو پایش بر زمین است و حتی یک دست وی در منطقه زمین قرار دارد اما به نگاه به سمت نیلوفر و پاکی و تقدس وی و الهام گیری از وی که از آب های راکد قد بلند می کند و به آسمان می رود (بهمنی، ۱۳۹۴: ۴۷).

تحلیل نشانه شناسانه جام افسانه زندگی

در تفسـیر نشـانه شناسـانه ایـن جـام بایـد گفـت بـز یکـی

از اولیـن حیواناتـی اسـت کـه اهلـی شـد و هریـک از اقـوام باسـتانی، بـز کوهـی را مظهـر یکـی از عناصـر مفیـد طبیعـت در نظـر مـی گرفتنـد.

تحلیل رمزگان نقش بز

بـز در لرسـتان سـمبل خورشـید و گاهـی اوقـات هـم نمادی از بـاران اسـت، چـرا کـه در آن زمـان مـاه را مرتبـط بـا بـاران و خورشـید را مربـوط بـه گرمـا و خشـکی مـی دانسـتند. در شـوش و عیـلام باسـتان، بـز کوهـی سـمبلی از کامیابـی و نیـز خـدای زندگانـی گیاهـی بـود. در بیـن النهریـن ، بـز بـه عنـوان مظهـری از خـوی حیوانـی «خـدای بـزرگ» برشـمرده مـی شـد. (خـدای بـزرگ در نقـش خـدای گیاهـان ظاهـر شـد در حالـی کـه شـاخه درختـی بـه شـکل T در دسـت داشـت و بـز کوهـی در حـال خـوردن بـرگ هـای آن بـود)»(پـرادا، ۱۳۸۲: ۴۵). بـز همچنیـن بـا مفاهیـم شـهوت و تمایـلات جنسـی نیـز نقـش پـردازی شـده اسـت.

تحلیل رمزگان درخت نخل

درخـت بـه نمایـش درآمـده بـه نظرمـی رسـد نخل باشـد. بـرای گـروه هـای مختلـف، درختـان متفاوتـی، درخـت زندگـی تعریـف شـده اسـت. در ایـران دوره هخامنشـی و ساسـانی درخـت زندگـی بـه شـمار مـی رفتـه اسـت و نیـز درخـت نخـل در ایـران مقـدس شـمرده مـی شـوند(دادور و منصـوری، ۱۳۸۵: ۱۰۰). درخـت نخـل بـه بخشـندگی و سـودمندی مشـهور اسـت البتـه شـاخه هایـش نشـان از طول مـدت زندگـی اش اسـت و بدیـن معناسـت کـه درخـت در مراحـل مختلـف مـورد اسـتفاده قـرار مـی گیـرد و بـا یـک بـار مصـرف آن تمـام نمـی شـود و در سـال هـای بعـد نیـز مـی تـوان از آن اسـتفاده کـرد(بهمنـی،۱۳۹۴: ۴۹).

تحلیل رمزگان گراز

دربـاره نقـش گـراز و ایـن کـه ایـن حیـوان در ایـران باسـتان چـه نقشـی داشـته، چیـزی کـه بایـد بـه آن تکیـه کـرد اهمیـت ایـن حیـوان در جنـگ هـا اسـت. ایـن جانـور دارای نیـروی فـوق طبیعـی اسـت
(پـرادا ، ۱۳۵۷: ۳۰۹). در ردیـف سـوم نقـش گـراز شـش بـار تکـرار شـده اسـت. دنـدان هـا و نیـش حیـوان و سـر متمایـل بـه پائیـن، نشـان دهنده ی حالـت حمله ی اوسـت. (همرنـگ، ۱۳۸۹: ۸۳). از لحـاظ زیسـت شناسـی گرازهـای نـر چـون بدنشـان بافـت چربـی ندارندکـه گرمشـان کنـد زمیـن را بـا عـاج هایشـان مـی کننـد و در آن مـی خوابنـد. گرازهـا لانـه یشـان را در کنـار آب مـی سـازند و در طـول روز در لانـه مـی ماننـد. موجوداتـی معمـولاً شـبگرد هسـتند کـه از شـب تـا سـحر مشـغول خـوردن هسـتند. دشـمنان زیـادی در طبیعـت ندارنـد چـون مـی تواننـد بـه خوبـی از خـود دفـاع کننـد. بـه نظـر مـی رسـد هنرمنـد گذشـته بـا آگاهـی از خصوصیـات گـراز و ارتباطـی کـه بـا آب و خـاک دارد گویـا گـراز نمایـش داده شـده همـان گیـاه اسـت کـه در خـاک فـرو مـی رود و در کنـار آب بـارور مـی شـود. گیاهـی کـه بسـیار سرسـخت اسـت و بـا وجـود ناملایمـات همچنـان پابرجاسـت(بهمنـی،۱۳۹۴: ۵۰). نقـش گـراز همچـون تجلـی خـدای جنـگ و پیـروزی، ورثرغـن ، در ادوار متأخـر تاریخـی ایـران اسـت(پـرادا، ۱۹۶۵: ۲۱۳). تحلیـل رمـزگان کرکـس: بـر اسـاس تجزیـه و تحلیـل بازنمودهـای مختلـف ایـن نقـش (پـرادا، ۱۹۶۸ : ۱۷۶ - ۱۷۵)، معتقـد اسـت: «نقشـمایه ی دو پرنده شـکاری و طعمه ی آن هـا ـ خـواه بـز کوهـی، خرگـوش، آهـو یـا اسـب ـ در خـاور نزدیـک بـه مفهـوم آغـاز جنگـی در آینـده نزدیـک اسـت و احتمـالاً چنیـن صحنـه ای بـرای آن هـا در صحنـه کارزار خـوش شـگون اسـت و اقبـال آنهـا را بلنـد مـی گردانـد. تقـارن کرکـس هـا در حـال خـوردن باقـی مانـده بـز نشـان از ثبـات و تـداوم ایـن رونـد در زندگـی اسـت» (بهمنـی، ۱۳۹۴: ۵۰).

تحلیل رمزگان موجود شبه انسان

نکتـه جالـب جوانـه زدن درختـی بـر بـالای سـر ایـن دو کرکـس اسـت کـه بـالا بـودن آن ایـن نکتـه را مـی گویـد کـه ایـن نظـام ثابـت همـواره از نـو مـی آغـازد. در کنـار ایـن جوانـه درخـت موجـودی شـبیه بـه جنیـن انسـان دیـده مـی شـود کـه مـی تـوان نشـان از تشـابه ایـن رونـد بـا زندگـی بـا دوران زندگـی انسـان باشـد و یـا تمثیلـی اسـت از اینکـه جوانـه درخـت و جنیـن انسـان رونـد مشـابه را در جهـان طـی مـی کنـد (بهمنـی، ۱۳۹۴: ۵۰).

تحلیل رمزگان چهار ردیف این جام

در چهـار ردیـف ایـن جـام بـه ترتیـب حرکـت و بعـد تقارن مشـاهده مـی شـودکه نشـان از تولـد و وابسـتگی بـه مـادر یـک امـر مقطعـی دارد کـه در تقابـل در زمانـی قـرار مـی گیـرد همیـن طـور بـه نوعـی مشـکلات و دشـمنان، کـه در اینجـا بـه صـورت گـراز نقـش شـده اسـت، زیـرا پـس از حملـه، نابـودی در پیـش اسـت. ایـن در حالـی اسـت کـه تغذیـه از گیـاه، آسـیبی بـه گیـاه نمـی رسـاند وگیـاه پـس از آن دوبـاره رشـد مـی کنـد. نـوار بالایـی شـاید نشـان از عالـم دیگـر دارد و آن بـه ایـن مفهـوم اسـت کـه همـه ایـن امـور تحـت نظـارت عالمـی دیگـر قـرار دارد.

جدول ۱- تحلیل نشانه شناسانه جام های گاو بالدار و افسانه زندگی مارلیک، (منبع:نگارندگان).

جام ها	ارتفاع جام	قطر دهانه	لانگ	پارول	دال	مدلول	تحلیل کانون	تحول کانون	جانشینی	همنشینی	تفسیر
جام گاو بالدار (مارلیک)	۱۸cm	۱۴/۵cm	حیوان	گاو	گاو	انسان	نیمه پایین	نیمه بالا	دوگاو	دو نمایی از یک گاو واحد	برتری نیروی معنوی جهت صعود به بالا و منظور خود انسان است
			گیاه	گل نیلوفر	نیلوفر	تقدس	محور تقارن	حرکت چرخش			
جام افسانه زندگی (مارلیک)	۲۰cm	۱۴cm	حیوانات	بز گراز کرکس	بز	آب پرورش	بلندتر بودن ردیف بزها و درخت ها	حرکت از پایین به بالا	تولد مرگ	زندگی تجدید حیات	برتری نیروی شهوانی و مادی به انسان در روند این چرخه
					گیاه	زایش					
					گراز	مشکلات					
			درخت	درخت نخل	کرکس	تکرار،تداوم تجدید حیات					

تطبیق نشانه شناسانه دو جام

در این بخش پس از استخراج اشتراکات و مشابهت های جام ها با مقایسه و تطبیق نقوش، با استفاده از رویکرد نشانه شناسی به تحلیل آنها پرداخته می شود.

شباهت های تصویری و نشانه ای

از ویژگی های گفتمان هنری این است که می تواند نشانه های ناهمگون را که ماده یا جنس دالی یکسان ندارند در کنار هم قرار داده و بدینسان با ترکیب آنها به تولید نشانه ای دیگر منجر می شود.(چند لر، ۱۷:۱۳۸۷). با توجه به آثار مکشوفه از مارلیک، با وجودیکه بنابر قدرت و اهمیت و ثروت صاحبان آنها چه از نظر طرز ساختمان و چه از نظر اشیاء با یکدیگر تفاوت داشتند، ولی همگی بهترین معرف طرز عقاید و افکار این اقوام نسبت به وجود زندگانی پس از مرگ بوده و مدارک مستندو ارزنده ای رادرزمینه پیشرفت هنر وصنایع کشورمان دردوران گذشته دراختیارباستانشناسان قرارداده اند (نگهبان، ۴۸:۱۳۵۵) .سازنده این دو اثر از فن پیشرفته ای فلزکاری آگاه بوده و از آن به زیباترین شیوه در ساختن این جام ها بهره گرفته است. او کوشیده است حالت طبیعی و عادی حرکت های جانور را آن گونه که در طبیعت است نمایش دهد و به خوبی نشان می دهد که از نظر آگاهی و آشنایی با طبیعت در سطح بالایی بوده است.پویایی، حیات و سرزندگی از دیگر شباهتهای این دو جام است.بدنه هر دو جام از طلا ساخته شده است و نقوش در هر دو برجسته کنده کاری که با ظرافت انجام شده است نمایان است.نقش گیاهان در هر دو جام به صورت های مختلف مشاهده می شود که مسلماً این بهره گیری ازگیاهان در نقوش جام ها ارتباطی مستقیم با محیط اطراف و پوشش طبیعی مارلیک دارد. در هر دو جام حیوان در کنار درخت و گیاه نمایش داده شده درجام گاو بالدار،گاو درکنار درخت زندگی در حالتی که روی پاهای عقبش بلند شده نمایش داده شده است ودر جام افسانه زندگی، بز کوهی جوانی در حالی که روی پاهای عقبش بلند شده در حال تغذیه از برگ درخت است. این دو جام از لحاظ تناسبات قاعده یکسان دارند. به نظر می رسد با توجه به تکرار نقوش در هر جام، مثلاً در جام گاو بالدار تکرار گاو و در جام افسانه زندگی تکرار بزها، گراز ها وکرکس ها نشان از تداوم و نجدید حیات است. «نوار تقریباً یکسان بالای هر دو جام نشان ازعالم دیگر دارد که بصورت انتزاعی ترسیم شده است» (بهمنی،۱۳۹۴ : ۵۱). گل نیلوفر در جام گاو بالدار و درخت نخل در افسانه زندگی هردو نشان از مقدس بودن است.

تفاوت های تصویری و نشانه ای

مقایسه جام ها بدون تطبیق نقوش امکان پذیر نیست. در این بخش انواع تفاوت های تصویری و نشانه ای در قالب جدولی آمده است تا از طریق مقایسه و تطبیق آنها با هم و با تحلیل نقوش به نشانه های آن دست یافت این نقوش بر مبنای رویکرد نشانه ای تحلیل شده،

سعی شده است که تفاوتهاو شباهتها را جدا سازی کرده و بیان کند.

«از جمله وظایف پیش روی نشانه شناسی آن است که نشانه های مختلف را از هم متمایز کرده و شیوه های متفاوت مطالعه آنها را تدوین نماید.در این میان نشانه شناسی کمکمان می کندتا بازنمایی ها را بازتاب واقعیت قلمداد نکنیم و ما را قادر می سازد تا آنها را از هم جدا کرده و بفهمیم این واقعیاتی که آنها نشان گرشان می باشند چه هستند» (چندلر ،۳۱۵:۱۳۸۷).

ارتفاع گاو بالدار ۱۷/۵سانتی متر و ارتفاع جام افسانه زندگی ۲۰سانتی متر است.(همرنگ ،۱۳۸۹: ۸۳-۷۷). بنابراین ارتفاع جام افسانه زندگی بلند تر است و به نظر می رسد می خواهد بیان کند که در جام گاو بالدار برای رسیدن به عالم معنوی و رسیدن صعود به بالا در کنار گل نیلوفر که مقدس است نیازی به عمر طولانی نیست و در همان مدت می توان به آن درجه از کمال رسید.

در ایران گاو به عنوان نمادی از رویش،زندگی و طبیعت و باروری ایفای نقش می کرد.»واژه گاو از ریشه زندگی ساخته شده است.» (جنیدی ،۵۳:۱۳۸۸).ولی با وجود اضافه کردن بال به آن به نظر می رسد که گویا رهایی از نفس و شهوت را نشان می دهد و منظور انسان است که به درجه ای از کمال هدایت می شود.

از سوی دیگر بالدار بودن گاو خود نشان بر تقدس و تعلق به جهان دیگرو اسطوره ای است.جهت حرکت به سمت راست است که برجستگی چشمها که نشان روشن بینی و عقل است آنرا تأیید می کند.نگاه حیوان که به سمت نیلوفر است با وجود اینکه پاها بر روی زمین قرار دارند نشان دهنده نگاهی به سمت پاکی و تقدس است که از نیروی معنوی برای زمین کمک می خواهد که برکت و روزی را به زندگی زمینی برساند و از هر گونه مشکلی از جمله خشکسال ، جنگ و... حفاظت کند ولی در جام افسانه زندگی به نیروی شهوانی و مادی اشاره می کند که داستان یک بز را در چهار مرحله به تمثیل بیان می کند که طی این فرایند ،هدف، انسان است که روند تولد تا مرگ را بازگو می کند و مسائل و مشکلات و خطراتی که در پی فرایند زمانی یک نوزاد تا کهن سالی وجود دارد، را نشان می دهد. بنابراین ارتباطی که بز با تمایلات شهوانی و مادی دارد در این جام نشان دهنده این است که اگر انسان به این سو کشیده شود، در چنین چرخه ای قرارخواهد گرفت. بالدار بودن گاو نشان از محافظت از زندگی است ولی بز در افسانه زندگی نشان از باروری و رویش است.

حرکت و چرخش در نیمه بالای جام گاو بالدار دیده می شود حرکت سر گویای این چرخش است ولی در جام افسانه زندگی حرکت از پائین به بالا دیده می شود که نشان دهنده صعود به بالااست. در جام گاو بالدار از پرسپکتیواستفاده نشده است ولی در جام افسانه زندگی کرکس های کوچک نشان دهنده پرسپکتیو است.

نتیجه گیری:

در این پژوهش دو اثر منتخب از جامهای مارلیک با رویکرد نشانه شناسی مورد تطبیق قرار گرفته اند. جام طلای گاو بالدار بدلیل ارزش ویژه هنری، یگانگی و کیفیت ساخت و پرداخت نقوش بی همتای آن نماد تمدن عظیم است. نقوش کلی این جام دو جفت گاو بال دار است که در نزدیکی یک درخت تزئینی و

جدول ۲- مقایسه بین دو جام گاو بالدار و افسانه زندگی مارلیک،(منبع:نگارندگان).

شباهت های تصویری	تفاوت های تصویری	شباهت های نشانه ای	تفاوت های نشانه ای
- بدنه جام ها از طلا -نقوش در هر دو برجسته کنده کاری شده - نقوش در هر دو جام برگرفته از طبیعت با نقوش موجودات خیالی و افسانه ای - تناسبات در هر دو جام از قاعده یکسان	- ارتفاع جام چرخه زندگی بلندتر است - دال در جام گاو بالدار از یک حیوان ولی دال در جام افسانه از چند حیوان - مدلول در جام گاو بالدار انسان ولی در جام افسانه عوامل غیر انسانی موجود در طبیعت و اتفاقات - حرکت و چرخش در نیمه بالای جام گاو بالدار ولی در جام افسانه زندگی حرکت از پایین به بالا - در جام گاو بالدار از پرسپکتیو استفاده نشده ولی در جام افسانه زندگی کرکس- های کوچک نشان از پرسپکتیو است.	- نوار تقریباً یکسان بالای هر دو جام انتزاعی و نشان از عالم دیگر دارند. -در جام گاو بالدار نقش (گاو و گل نیلوفر) در جام افسانه زندگی نقش (درخت نخل) هر سه نشان از مقدس بودن است. - در جام گاو بالدار(گل نیلوفر) و در جام افسانه زندگی(روایت تولد تا مرگ) هر دو نشان از آفرینش و زندگی است. -در هردو جام نشان از اعتقاد زندگی پس از مرگ	- در جام گاو بالدار نیروی معنوی ولی در جام افسانه زندگی نوعی نیروی مادی بیان شده . - گاو بالدار نشان از قدرت و جنبه تقدس و برکت و روزی و بالدار بودن گاو نشان از محافظت ولی (بز) در افسانه زندگی نشان از باروری و رویش است. - نقش (گاو) در جام گاو بالدار نشان از قدرت در محافظت ولی نقش (گراز) نشان از قدرت در جنگ و پیروزی است.

روبـروی هـم بـه صـورت قرینـه، قـرار گرفتـه انـد. ایـن دو گاو در حـال بـالا رفتـن از درخـت در دو طـرف قـرار دارنـد. گاو از ریشـه زندگـی سـاخته شـده اسـت و بالـدار بـودن آن نشـان از محافظـت از طریـق نیـروی مقـدس نیلوفـر اسـت.در همنشـینی گاو و نیلوفـر نوعـی نیـروی معنـوی جهـت صعـود بـه بـالا بوجـود مـی آیـد.

جـام طـلای افسـانه زندگـی یکـی از معـروف تریـن جـام های فلـزی بدسـت آمـده از مارلیـک و نمـاد دیگـری از ایـن تمـدن باشـکوه اسـت. سـطح خارجـی جـام بـا چهـار ردیـف نقـش برجسـته بـه شـیوه قلـم زنـی، چکـش کاری و کنـده کاری آراسـته شـده اسـت کـه از پائیـن بـه بـالا نشـانگر چهـار دوره زندگـی، بالندگـی، شـکار و مـرگ حیـوان اسـت کـه از فانـی بـودن زندگـی حکایـت دارد. بـز کـه نقـش اصلـی ایـن جـام اسـت بـا مفاهیـم شـهوت و تمایلات جنسـی نیـز نقش پـردازی شـده اسـت و درخـت نخـل نشـانگر مراحـل مختلـف زندگـی اسـت و گـراز بـه دلیـل قدرتـش و سرسـخت بودنـش در ایـن جـا همـان گیـاه اسـت کـه در کنـار آب بـارور مـی شـود و کرکـس هـا نشـان از ثبـات و تـداوم ایـن رونـد در زندگـی اسـت.

در تطبیـق بیـن دو جـام بـه شـباهت هـا و تفـاوت هایـی بـا اسـتفاده از تحلیـل نشـانه شناسـی چنیـن بـه نظـر مـی رسـد کـه نـوار تقریبـا یکسـان بـالای جامهـا از عالـم دیگـر بصـورت انتزاعـی نمایـش مـی دهـد و جـام گاو بالـدار رسـیدن بـه عالـم معنـوی اسـت و رسـیدن صعـود بـه بـالا ولـی جـام افسـانه زندگـی کـه داسـتان یـک بـز را در چهـار مرحلـه بـه تمثیـل بیـان مـی کنـد کـه رونـد تولـد تـا مـرگ را بـا تصویر بازگـو مـی کنـد بنابرایـن شـاید بتـوان بـه ایـن نتیجـه رسـید کـه جـام افسـانه زندگـی بـه نیـروی شـهوانی و مـادی اشـاره مـی کنـد.

بنابرایـن نشـانه شناسـی کمـک مـی کنـد تـا بازنمایـی هـا بازتـاب واقعیـت قلمـداد نشـود و پژوهنـده را قـادر مـی سـازد تـا آن هـا را از هـم جـدا کـرده تـا بفهمـد ایـن واقعیاتـی کـه آن هـا نشـان گرشـان مـی باشـند، چـه هسـتند و مـی تـوان بـه ایـن نتیجـه مـاده یـا جنـس دالـی یکسـان نیسـتند و در کنـار هـم اگـر قـرار داده شـوند و یـا بـا ترکیـب آنهـا از لحـاظ معنایـی بـه نشـانه ای دیگـر منجـر مـی شـود.

پی نوشت:

۱- آمـارد، اَمـراد، آمـار یـا مرداهـا (به زبـان سـکایی: آمـارد، Amard؛ بـه زبـان پهلـوی: آمویـی، Amui) قومـی آریایـی و سـکایی کـه در شـمال ایـران و در مجـاورت رود قـزل اوزن زندگـی می‌کردنـد. آمارداهـا قومـی مسـتقل شـناخته بودنـد، شـاید تات‌هـا، تالش‌هـا و دیلمـان و آموییـان را بتـوان فرزنـدان آنـان دانسـت. بنابـر نظـر ریچاردفـرای , آملـی کـورت و دانشـنامه ایرانیـکا، آماردهـا آریایـی و قومـی نیرومنـد و جنگجـو بوده‌انـد .واژه گیل‌مـرد کـه بـه بیشـتر سـاکنین بومـی اسـتان گیـلان اطـلاق می‌شـود از ترکیـب واژه‌هـای گیـل و آمـارد اسـت کـه از اخـلاف اقـوام گیـل و آمـارد می‌باشـند.

فهرست منابع:

- اصـلاح عربانی،ابراهیـم(۱۳۷۴)، کتـاب گیلان،گیـلان: انتشـارات گـروه پژوهشـگران ایـران.
- ایوتادیه،ژان(۱۳۷۸)، نقـد ادبـی در قـرن بیسـتم، ترجمـه مهشـیدنونهالی، چـاپ اول، تهـران: انتشـارات نیلوفـر.
- بهمنی،پردیـس(۱۳۹۴)، هنـر و تمـدن اسـلامی(طراحی اشـیا در هنـر اسـلامی ایـران)، چـاپ اول، تهران:انتشـارات فخـر اکیـا.
- تسـلیمی،علی (۱۳۸۱)، گـذر از جهـان افسـانه:نقد و تحلیـل افسـانه هـای گیلان، رشـت: انتشـارات چوبک.
- ستاری،جلال(۱۳۷۲)، مدخلی بر رمز شناسی عرفانی، تهران: نشر مرکز.
- سـالنامه آمـاری اسـتان گیـلان(۱۳۸۱)، گیلان:انتشـارات سـازمان مدیریـت و برنامـه ریـزی.
- جنیدی،فریدون(۱۳۸۸)، ویرایشی بر شاهنامه فردوسی، تهران: نشر بلخ.
- چندلر،دایتـل(۱۳۹۴)، مبانـی نشـانه شناسـی، ترجمـه مهـدی پارسـا، تهـران: انتشـارات سـوره مهـر.
- صفوری،کـوروش(۱۳۸۳)، درآمـدی بـر معنـی شناسـی، تهـران: انتشـارات سـوره مهر .
- ضیمران،محمد(۱۳۸۳)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، تهران:نشر قصه.
- طلایـی، حسـن(۱۳۹۱)، باسـتان شناسـی و هنـر ایـران در هـزاره قبـل از میـلاد، تهـران: سـازمان مطالعـه و تدویـن کتـب علـوم انسـانی و دانشـگاه هـا (سـمت).
- فرهنـگ فروتـن، غلامرضا(۱۳۸۲)مارلیک(چراغلـی نپـه)، ،چـاپ اول ،تهـران: انتشـارات پیـام فرهنـگ .
- گشایش، فرهاد(۱۳۹۲)،تاریخ هنر،تهران: انتشارات مارلیک.
- موسوی،محمود(۱۳۷۴)، باستان شناسی گیلان، تهران.
- مرعشـی، سـید ظهیـر الدیـن(۱۳۶۴)، تاریـخ گیـلان و دیلمسـتان، تصحیـح منوچهـر سـتوده، تهـران: گـروه پژوهشـگران ایـران.
- نگهبـان، عـزت الله(۱۳۷۸)، حفـاری هـای مارلیـک، جلـد اول، تهران:انتشـارات سـازمان میـراث فرهنگـی کشـور.
- نگهبان،عـزت الله(۱۳۸۵)، مـروری بـر پنجـاه سـال باسـتان شناسـی ایـران، تهـران: سـازمان میـراث فرهنگـی کشـور.
- نگهبـان، عـزت الله(۱۳۵۶)، مارلیک(نشـریه) شـماره ۲، تهران: انتشـارات دانشـگاه تهران.
- نگهبـان، عـزت الله(۱۳۶۸)، ظـروف فلـزی مارلیـک، تهـران: سـازمان میـراث فرهنگـی کشـور.
- نگهبـان، عـزت الله(۱۳۴۳)،گـزارش مقدماتـی حضریـات مارلیک،تهران: انتشـارات دانشـگاه تهران.
- همرنگ،بهروز(۱۳۸۹)، تمدن مارلیک، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- هیلنز،جـان (۱۳۸۱)،شـناخت اسـاطیر ایـران، ترجمـه ژالـه آمـوزگار و احمـد تفضلی،تهـران: انتشـارات سـمت.
- افشـون،مهرداد (۱۳۸۴)، تمـدن مارلیـک و جایـگاه آن در تاریـخ ایـران، رشـد آمـوزش تاریـخ ، شـماره ۱۸، ۲۳.
- چراغی،رحیـم(۱۳۶۸)، چهـار هـزار سـال زندگی،نگاهـی گـذرا بـه مشـترکات زندگـی در مارلیـک باسـتان و امـروز گیلان،شـماره ۶۱.
- علیزاده،عباس(۱۳۷۱)،حفاری در هفت تپه،ایران نامه،شماره ۴۰ .
- نگهبان،عـزت الله(۱۳۵۵)، جـام طـلای افسـانه زندگـی مکشـوفه در حفـاری مارلیک،دانشـکده ادبیـات و علـوم انسـانی دانشـگاه تهران،شـماره ۹۳ و ۹۴ .
- وحدتی،علـی اکبـر(۱۳۸۴)، نگاهـی بـه نقشـمایه هـای جـام زرین«افسـانه زندگـی»در مارلیک،تهـران: پژوهـش هـای باسـتان شناسـی و مطالعات میان رشـته ای.

– Porada,E.,(۱۹۶۵),Ancient Iran:The Art of Pre–Islamic Times, Methuen–London.
– Porada,E.,(۱۹۶۸),problems of Iranian Iconogress of Iranian memorial Art and Archaeology,Tehran–Isfahan–shiraz,vol.۱,Special Publication of the Minstry of Culture and Arts,۱۱–۱۸ April,pp.۱۶۳–۱۸۲.
– Kurochkin,G.N,(۱۹۹۳),Archaeological Search for the Near Eastern Aryans and the Royal Cemetery of Marlik in Northen Iran'.In parpola A & koskikallio (eds.);seath Asian archaeology ,vol,۱.
– Negahban,Ezato,(۱۹۶۴),Marlik,Apreliminary Report on Marlik Excavation ,Gohar roud Expedition ,Rudbar,۱۹۶۱–۶۲,Special Publication of the Ministry of Education, Tehran offset press.
– Young,T.c.jr,The Iranain Migration into the zagros Iran,no.۵,۱۹۶۷ .